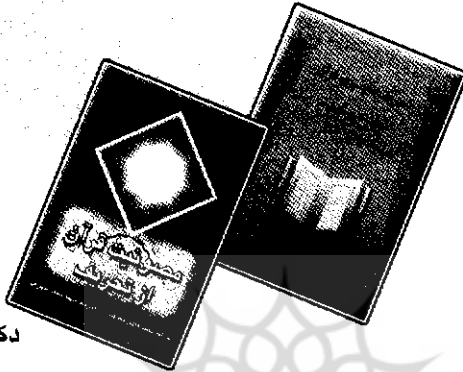
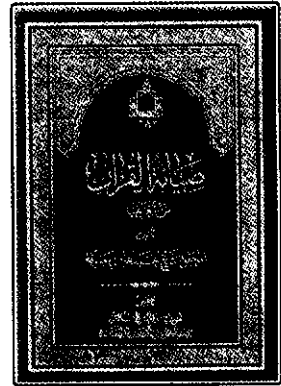


نگاهی به کتاب

الصيانة القرآن من التحريف



دکتر علی نصیری
دکترای علوم قرآنی

مقدمه

کتاب «صيانة القرآن من التحريف» در کنار آثارى همچون «التمهيد فى علوم القرآن» و «شبهات وردود» از آثار ارزشمند و ماندگار استاد فرزانه ما آيت الله معرفت (حفظه الله) است. نگارنده در اين مقاله و در آستانه نکوداشت اين استاد گرانمايه به دنبال آن است تا انگيزه مؤلف از تدوين، ترجمه و ويژگي هاي کتاب را براي خوانندگان فرهيخته تبیین نماید.

انگیزه تألیف

مسأله احتمال تحريف به کاستی از دیرباز میان اندیشه وران و قرآن پژوهان مطرح بوده است. زیرا از سویی جایگاه بلند و منیع قرآن می طلبد تا در کنار اثبات اعجاز و فرازمینی بودن، سلامت و پیراستگی آن از هر گونه دخل و تصرف نیز به قطعیت ثابت گردد. و این امر بالطبع می بایست به عنوان نخستین بنیادهای قرآن شناسی مورد توجه قرار گیرد. چه، اگر کسی به احتمال هر گونه دخل و تصرف اعم از تحريف به کاستی یا افزونی در قرآن تن دهد، خواسته یا ناخواسته اعتبار این کتاب به عنوان سند زنده آخرین دین آسمانی و معجزه جاویدان اسلام را از هر جهت مخدوش کرده است. از این رو هر گونه گفت و گو درباره علوم، آموزه ها و معارف قرآن منوط به اثبات سلامت

و نزاهت کامل آن است. از سوی دیگر در جوامع روایی فریقین روایاتی به صورت پراکنده و به مناسبت‌های مختلف انعکاس یافته که به صورت صریح و آشکار-که البته شمار این دست از روایات بسیار محدود است- یا به صورت اشاری ناظر به تحریف به کاستی بوده و گروه‌ها یا افرادی در میان اهل سنت یا شیعه تحت تأثیر این روایات یا بخاطر عواملی دیگر در ورطه باور مندی به راهیافت تحریف به کاستی در قرآن لغزیده و در لابلای آثار خود و گاه با تدوین نگاه‌شسته‌های-مستقل- که این امر نیز بسیار محدود است نظیر کتاب الفرقان از محمد عبداللطیف^۱ در میان اندیشه‌وران معاصر اهل سنت و کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب از محدث نوری- در میان شیعه- به این تفکر گراییده اند.

در این بین برخی از خاورشناسان همچون گلدزیهر^۲- که دشمنی با اسلام و قرآن از عموم نگاه‌شسته‌های او هویدا است- فرصت را غنیمت شمرده با استفاده از رخنه تفکر تحریف در میان شماری اندک از اندیشه‌وران فریقین، به قرآن تاخته و- به گمان خود بی‌اعتباری- این کتاب آسمانی را به کرسی نشاندند، چنان‌که در برابر، شماری از عالمان متعصب اهل سنت همچون ابن تیمیه که عناد و دشمنی آنان با اهل بیت (ع) و پیروانشان در سرتاسر آثارشان هویدا است و نیز وهابیان عصر ما که همان راه نواصب پیشین را دنبال می‌کنند، بی‌آن‌که به خطر کارشان بیاندیشند. شیعه و عالمان شیعه را یکسره به اعتقاد به تحریف به کاستی در قرآن و ادعای کنار گذاشتن آیات و سوره در زمینه ولایت اهل بیت (ع) از سوی خلفا متهم می‌سازند و گاه گستاخانه و بی‌پروا از کيفر و عقوبت الهی، شیعه را به کفر و مهدورالدم بودن محکوم می‌کنند!! بی‌آن‌که دریابند که این سخن همصدایی با دشمنان دیرینه قرآن بوده و ضمن دامن زدن به تفرقه و جدایی میان مسلمانان، معتبرترین کتاب آسمانی در کرانه گیتی یعنی قرآن را سست و بی‌اعتبار می‌سازند.

پیدا است در چنین حال و هوایی هر اندیشمند قرآنی بویژه عالمان متعهد شیعه بر خود فرض می‌دانند که ضمن دفاع از حریم قرآن و نزاهت کامل آن، دامن شیعه و عالمان شیعی را از انتساب تهمت‌های ناروا پیراسته سازند. راز آن که در مقدمه تفاسیر کهن و نوینی همچون مجمع البیان، صافی، آلاء الرحمان و البیان یا لابلای برخی دیگر از تفاسیر همچون المیزان و نمونه از این مسأله به اجمال یا گاه به تفصیل گفتوگو

شده، و در عموم آثار علوم قرآنی و گاه در تک‌نگاری‌ها مورد توجه قرار گرفته همین است.

در همین راستاست که استاد فرزانه آیت الله معرفت - چنان‌که از مقدمه کتاب ایشان پیداست - با الهام از فصلی از کتاب «البيان في تفسير القرآن» استادشان آیت الله خوبی (رحمة الله) با عنوان «صيانة القرآن من التحريف» کتابی گرانسنگ با همین عنوان به رشته تحریر در آوردند.

چاپها و ترجمه‌های کتاب

این کتاب تاکنون سه بار منتشر شده است؛ چاپ نخست از سوی مؤسسه دارالقرآن الکریم، چاپ دوم توسط موسسه امام صادق (ع)، و چاپ سوم - همراه با اصلاحات و اضافات - توسط مرکز انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه. دو ترجمه از این کتاب نیز به جامعه فرهنگی عرضه شده است:

۱. ترجمه آقای محمد شهبابی^۳ با عنوان «مصونیت قرآن از تحریف» که ترجمه بخش‌هایی از متن عربی کتاب بوده و در سال ۱۳۷۶ توسط دفتر تبلیغات اسلامی قم منتشر شده است.

۲. ترجمه نگارنده این مقاله با عنوان «تحریف ناپذیری قرآن از تحریف» که ترجمه کامل از کتاب بوده و در سال ۱۳۷۹ به صورت مشترک توسط مؤسسه انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه‌ها (سمت) انتشار یافته و چنان‌که در مقدمه سازمان مزبور آمده، متن ترجمه شده به عنوان متن درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث در نظر گرفته شده است.^۴ استاد بزرگوار در مقدمه خود نگارنده را مورد مهر قرار داده و از ترجمه کتاب دفاع کرده‌اند.

نگارنده در مقدمه مترجم، ضمن طرح مباحثی پیرامون مفهوم - و انگیزه‌های گرایش به تحریف - معرفی برخی از آثار در زمینه اثبات نزاهت قرآن از تحریف، انگیزه خود از ترجمه و جایگاه کتاب را به صورت مختصر ارائه داده است. نقل آرا و گفتار مؤلف محترم و ارجاعات در این مقاله بر اساس این ترجمه ارائه شده است.

ویژگی های کتاب

همان گونه که اشاره شد پیش از کتاب «صیانه القرآن من التحریف» آثاری در زمینه اثبات پیراستگی قرآن از تحریف نگاشته شد و برخی از آثار همچون «نزاهت قرآن از تحریف» از آیه الله جوادی آملی (حفظه الله) پس از آن فراهم آمد^۲، با صرف نظر از مقایسه کتاب صیانه القرآن من التحریف با سایر آثار، برای این کتاب ویژگی هایی می توان بر شمرد که برخی از آنها به این کتاب اختصاص دارد و در این مقاله به بررسی آنها می پردازیم:

۱. انتساب تحریف به روایات اهل سنت

همان گونه که اشاره شد به رغم اذعان گروهی از صاحب نظران و عالمان اهل سنت مبنی بر همصدایی عالمان شیعه با آنان بر پیراستگی قرآن از تحریف، شماری از آنان در گذشته و بویژه در دوران معاصر - متأثر از جریان نوپای وهابیت متعصب - بی پروا به شیعه تاخته و همه آنان را به اعتقاد به تحریف متهم ساخته اند، هر چند برای اثبات مدعای خود بدون در نگرستن به تأکید اکثریت قاطع اندیشه وران شیعه بر انکار تحریف، تنها به دیدگاه شماری بس اندک همچون محدث نوری استناد کرده اند. دشمنی این گروه با پیروان اهل بیت (ع) و بی پروایی آنان تا به آنجا رسیده که دامنه دروغ پردازی شان از نگاهته ها پارافراتر گذاشته و در شماری از پایگاه های شبکه جهانی اینترنت گسترش یافته است.

در پاسخ به این تعصب و دشمنی کور دو راه حل وجود دارد:

۱. بدون پرداختن به این امر، و فراخواندن عالمان اهل سنت به کنار گذاشتن تعصب، بر یکصدایی عالمان شیعه و اهل سنت بر پیراستگی قرآن از تحریف پای فشرده شود. چه، انتساب هر دو فرقه به تحریف، پیش از آن که باعث تضعیف آن فرقه شود، به کاستن از منزلت و جایگاه قرآن خواهد انجامید. این شیوه در کتاب «نزاهت قرآن از تحریف» دنبال شده است.^۶

۲. برای جلوگیری از دامنه تهمت های ناروا به شیعه، به این دست از عالم نماهای اهل سنت گوشزد شود که اگر به خاطر وجود روایاتی در زمینه تحریف در منابع روایی

شیعه، این گونه بی پروا به آنان می تازید، عین همین کاستی و ضعف در منابع روایی اهل سنت نیز راه یافته است و اگر تدوین کتابی همچون «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الاریاب» از سوی محدث نوری زمینه را برای چنین هجومی فراهم ساخته، نظیر چنین پدیده‌ای نامبارک با نگاشتن کتاب «الفرقان» از سوی محمد محمد عبداللطیف در میان عالمان معاصر اهل سنت، راه یافته است. این شیوه به صورت گسترده در کتاب «صیانة القرآن من التحریف» دنبال شده است.

مؤلف محترم این کتاب در فصل هفتم کتاب با عنوان «تحریف نزد فرقه حشویه عامه» به تفصیل به این مسأله پرداخته است. در این فصل بیست و چهار مورد از روایات ناظر به تحریف قرآن در منابع روایی اهل سنت بر شمرده شده است. نظیر آیهٔ رجم که خلیفهٔ دوم بر قرآن بودن آن اصرار داشت^۷، یا آیهٔ رضعات که عائشه مدعی بود که در زمان پیامبر (ص) تلاوت می شده اما در جمع قرآن در زمان عثمان مورد غفلت قرار گرفته است.^۸ یا روایت ابی بن کعب به نقل از مسند احمد بن حنبل که مدعی شده سورة احزاب - که امروزه ۷۳ آیه دارد - در دوران پیامبر (ص) برابر با سورة بقره بوده است.^۹ معنای این مدعا آن است که سه چهارم این آیات این سورة اسقاط شده است. چنان که نظیر این ادعا از سوی صحابهٔ بزرگ پیامبر (ص) حدیقه بن یمان دربارهٔ سورة براءت بازگو شده است.^{۱۰} در همین فصل با عنوان «فاجعه کتاب الفرقان» از این کتاب نیز گفت و گو شده است.

مؤلف فرزانهٔ کتاب هم چنین در فصل نخست کتاب به اثبات این مسأله پرداخته که ادعای وجود نسخ تلاوت و انشاء، مآلاً به معنای پذیرش راهیافت تحریف به کاستی در قرآن است. زیرا وقتی با استناد به گفتار امثال ابو موسی اشعری ادعا شود که شماری از آیات در دوران پیامبر (ص) تلاوت می شده و با ارادهٔ الهی از اذهان مسلمانان محو شده است، در حقیقت به این معناست که بخشی از قرآن - حال چه به دست خداوند یا به دست دیگران - از دست رفته است.^{۱۱}

۲. انعکاس دیدگاه گروهی از عالمان اهل سنت مبنی بر براءت شیعه از تهمت تحریف یکی از امتیازات کتاب «صیانة القرآن من التحریف» که در آثاری دیگر از این دست کم تر مورد اهتمام قرار گرفته، انعکاس نظرگاه آن دسته از اندیشه وران اهل سنت

است که خود اذعان کرده اند که دامن شیعه از تهمت تحریف پیراسته است . اهتمام به این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که صدای مظلومیت شیعه در برابر موج تهمت های ناروای شماری متعصب ، نه تنها از زبان شیعه ، بلکه از زبان اندیشه وران اهل سنت شنیده شود . حضرت استاد در فصل چهارم کتاب با عنوان : «گواهی صاحب نظران اهل سنت به پیراستگی شیعه از قول به تحریف» ، گفتار چهار تن از عالمان اهل سنت را آورده است . به عنوان مثال ابوالحسن اشعری (م ۳۳۰) بنیان گذار مشرب اشاعره در کتاب معروف خود «مقالات الاسلامیین» اذعان می کند که گروهی از شیعه - عقل گرایان در برابر نقل گرایان - بر نزاهت کامل قرآن از هر گونه تحریف و دخل و تصرف پای فشرده اند .^{۱۲}

بخشی از گفتار استاد محمد مدنی - رئیس دانشکده شریعت (فقه) دانشگاه الازهر - که در این کتاب انعکاس یافته چنین است :

معاذ الله - از این که - امامیه معتقد به کاستی قرآن باشند ، آنچه هست روایاتی است که در کتب روایی ایشان آمده است ، همان گونه که در جوامع روایی ما نیز چنین روایاتی یافت می شود ، آنچه مهم است نظریه محققان هر دو طایفه است . خوشبختانه آنان با اعلام سستی این عقیده ، بر آن خط بطلان کشیده اند .^{۱۳}

۳ . ارائه دیدگاه عالمان شیعه

پیداست مهم ترین گام در برابر تهمت انتساب تحریف به شیعه ، انعکاس نظرگاه عالمان شیعه مبنی بر نزاهت قرآن از تحریف است . کاری که در عموم آثاری از نوع کتاب «صیانه القرآن من التحریف» دنبال شده است .

مؤلف محترم در چاپ نخست کتاب دیدگاه بسیاری از عالمان شیعه را بر اساس سیر تاریخی منعکس ساخته بود ، اما در چاپ دوم کتاب به انعکاس اهم دیدگاه ها بسنده نمود . آنچه در فصل سوم کتاب تحت عنوان : «تصریحات بزرگان شیعه» آمده ، دیدگان بیست و دو تن از عالمان شیعه است اعم از عالمان سلف همچون شیخ صدوق و شیخ مفید و سید مرتضی و عالمان دوران معاصر همچون علامه طباطبایی ، امام خمینی و آیت الله خویی .^{۱۴}

از نکات قابل توجه آن که استاد - چنان که در پاورقی متن عربی کتاب آورده - برای

دستیابی به دیدگاه استاد خود امام خمینی (ره) از دست نوشته های آقای قدیری - یکی از شاگردان امام - که شرحی بر کفایة الاصول است^{۱۵}، و نیز از اظهار نظر شفاهی آیت الله سبحانی درباره چگونگی برخورد امام با مسأله تحریف و شاكلة فکری محدث نوری استفاده کرده است. و این امر از همت والای ایشان و تتبع فراگیر برای دستیابی به تفکرات صاحب نظران حکایت دارد.

۴. اهتمام به دیدگاه خاور شناسان و نقد نظر گاه آنان

گفت و گو درباره خاور شناسان، گستره پژوهش های آنان در زمینه قرآن، انگیزه و میزان درستی یا خطای اندیشه های آنان، مجالی دیگر را می طلبد. آنچه که همگان بر آن اذعان دارند سوء نیت و غرض ورزی شماری از خاور شناسان در عرصه قرآن پژوهی و در بررسی هر یک از مباحث قرآنی است. از این رو بر هر قرآن پژوهی لازم است که در طرح مباحث و مسائل قرآنی ضمن اهتمام به اندیشه و نظرگاه خاور شناسان در موارد خطا یا غرض ورزی پاسخی در خور به آنان بدهد. کاری که آیت الله معرفت - حفظه الله - در کتاب مورد بحث و در نقد دیدگاه گلدزیهر - یکی از چهره های شاخص غرض ورزی - انجام داده است. مؤلف در فصل چهارم کتاب در مبحثی تحت عنوان «هذر المستشرقین = گزافه گویی خاور شناسان» گفتار گلدزیهر را منعکس ساخته که در بخشی از آن چنین آمده است:

[شیعه] معتقد اند قرآنی که در عهد عثمان گرد آمد دچار فزونی و دگرگونی هایی در قیاس با قرآن منزل بر پیامبر شده است؛ چنان که بخش های مهمی از قرآن [به علت انگیزه های سیاسی] حذف شده است... گرایش عقیدتی شیعه عموماً به این است که قرآن کاملی که از سوی خداوند فرو فرستاده شده، بسیار طولانی تر از قرآن رایج بین مردم بوده است.^{۱۶}

مؤلف محترم کتاب ضمن تبیین خطاهای علمی گلدزیهر در باره کتاب بیان السعادة، او را از این جهت که برای باز شناساندن نظرگاه شیعه به این کتاب - که نگاشته رهبر فرقه صوفیه به نام «نعمة اللهی» است - و نیز تفسیر قمی که استنادش به مؤلف مخدوش است، اعتماد کرده، مورد نقد قرار داده است.^{۱۷}



۵. بازسازی مفهوم تحریف در کتب عهدین

نخستین دلیلی که محدث نوری برای اثبات رهیافت تحریف در قرآن آورده این است: در کتب عهدین تحریف واقع شده و ضرورت تشابه حوادث گذشته با حال، مستلزم وقوع تحریف در قرآن است.^{۱۸}

این مدعا بر اساس شکل نخست قیاس اقترانی از صغرا و کبرا برخوردار است. صغرای قیاس وقوع تحریف در کتب عهدین و کبرای قیاس ضرورت تشابه میان رخدادهای امت‌های گذشته با امت اسلامی بر اساس روایاتی از پیامبر اکرم (ص) است. مؤلف کتاب صیانه القرآن من التحریف ضمن پاسخگویی و تبیین معنای تشابه در روایات مورد استناد، - و این که مقصود تشابه در کلیات و اصول کلی حیات است و نه رخدادهای خرد و جزئی و وجود موارد نقض در رخدادهایی همچون فرود من و سلوی و سرگردانی - بنی اسرائیل در بیابان، به تفصیل به رد صغرای قیاس پرداخته است،^{۱۹} به این بیان که از نظر ایشان تحریف به مفهوم مورد نظر و مصطلح - یعنی راهیافت فزونی و کاستی در متن اصلی وحیانی - در تورات و انجیل راه نیافته است. این مدعا کاملاً نو و بدیع بوده و حتی در بدو نظر تعجب‌برانگیز است. زیرا از ظاهر این مدعا - یعنی انکار وقوع تحریف در کتب عهدین - چنین به ذهن تبادر می‌کند که آیت الله معرفت (حفظه الله) به اصالت و اعتبار و آسمانی بودن کتب عهدین باورمند است. دیدگاهی که حتی در میان متکلمان یهودی و مسیحی چندان قابل دفاع نیست. حقیقت آن است نگارنده وقتی که برای نخستین بار در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه علوم اسلامی رضوی این مدعا را از زبان استاد معظم شنیده بسیار شگفت زده شده، و در پی اشکال و اعتراض‌های پی‌درپی در جلسه درس و خارج آن مقصود ایشان از دیدگاه را پی‌جوشده و آنگاه که به مقصود ایشان - چنانکه توضیح خواهیم داد - دست یافت آرام گرفت. باری، مراد ایشان این است که راهیافت تحریف زمانی صادق است که اصالت یک متن مورد پذیرش باشد. به عنوان مثال اگر اصالت کتاب «جمهوریت» افلاطون به‌رغم قدمت آن مورد قبول همگان باشد، آنگاه اگر دخل و تصرف در بخشی از متن آن اتفاق افتاده باشد، اصطلاحاً می‌گویند که در آن تحریف به فزونی یا کاستی واقع شده است. اما اگر در اصالت و اصل انتساب کتاب به افلاطون تشکیک جدی وجود داشته باشد به گونه‌ای که گروه زیادی از صاحب‌نظران بگویند افلاطون اساساً کتابی

به نام جمهوریت نداشته، یا اگر داشته کتابی سراسر غیر از کتاب موجود است، در این صورت برغم وقوع فزونی یا کاستی در متن این کتاب، اصطلاحاً نمی گویند که کتاب دچار تحریف شده است. - شاید در چنین مواردی اصطلاح جعل و برساختن به حقیقت نزدیک تر باشد. از نگاه استاد آیت الله معرفت درباره تورات و انجیل چنین حقیقتی رخ داده است. - زیرا آنچه که بر موسی و عیسی (ع) فرود آمد در اثر گذر زمان و رویکرد حوادث و رخدادهای ویرانگر مختلف همچون حمله بخت النصر نابود شده و سالها بلکه قرن ها پس از وفات این دو پیامبر آسمانی بخشی از این متون با تکیه به حافظه ها ثبت و گردآوری شد. بنابراین به اذعان بسیاری از صاحب نظران یهود و نصارا - در نگاه مؤلف محترم کتاب صیانه القرآن من التحریف - تورات و انجیل فاقد اصالت و قداست است.

گذشته از آن که پیروان و صاحب نظران این دو دین آسمانی یعنی یهود و مسیحیت تا چه حد با این ادعا موافق اند، راهی که مؤلف کتاب برای مخدوش دانستن صغرای قیاس دنبال کرده و ادعای وقوع تحریف در کتب عهدین را از قبیل سالبه منتفی به انتفا موضوع دانسته، منحصر به فرد و قابل توجه است. ایشان بر اساس این مدعا فصل ششم کتاب تحت عنوان «تحریف در کتب عهدین» را به این امر اختصاص داده و در پژوهشی تاریخی به بررسی این مسأله پرداخته است. ایشان در پایان این مبحث و انعکاس دیدگاه پاره ای از متکلمان و کشیشان مسیحی چنین آورده است:

آنچه مسلم است این است که کتاب اصلی در دسترس نیست و آنچه باقی مانده است شرح حال ها و پاره ای تعلیمات دینی است که از سخنان پیامبران برگرفته شده و در ضمن یادکرد حوادث تاریخی ذکر شده است. در این صورت، ادعای کسانی که حوادث امت های پیشین را با امت اسلامی قیاس می کنند مردود است؛ چون تحریف در کتب عهدین موضوعیت ندارد.^{۲۰}

آن گاه ایشان همصدا با استاد خود آیت الله خوئی کبرای قیاس را نیز مخدوش دانسته و تبیین کرده است که مقصود تشابه اصول و کلیات است زیرا اگر مقصود تشابه حوادث خرد و جزئی است می بایست رخدادهایی همچون فرود آمدن من و سلوی که برای بنی اسرائیل فرود می آمد برای این امت نیز فرود می آمد و مسلمانان نیز بسان یهود

چهل سال در بیابان‌ها سرگردان می‌ماندند.

۶. باز شناساندن مبانی تفکر اخباریان

اخباری‌گری گرایشی است که مبتنی بر ترجیح منقولات بر معقولات و بویژه با تأکید بر انحصار امکان فهم از متون روایات در میان شیعه شکل گرفته است. این گرایش در سه مرحله از تاریخ شیعه به شکوفایی رسید. نخست: در سده‌های دوم تا چهارم که از جمله پرچمداران آنان شیخ صدوق را می‌توان برشمرد. دوم: در سده‌های پنجم و یازدهم با ظهور محدثانی همچون: فیض کاشانی، محمد تقی مجلسی و فرزندش محمد باقر مجلسی، شیخ حرّ عاملی. سوم: سده دوازدهم و سیزدهم؛ سید نعمه الله جزائری و شاگرد ایشان حاجی نوری به این مرحله از تاریخ اخباریان تعلق دارند.

شماری از تفکرات، وجه مشترک میان همه اخباریان است، نظیر برتری نقل بر عقل به هنگام تعارض دو دلیل؛ تکیه بر روایات در فهم مدالیل آیات و دخالت ندادن عقل در تفسیر قرآن مگر در حوزه‌ای محدود؛^{۲۱} اما برخی از باورها و نوع تعامل به متون دینی منحصر به دوره متأخر اخباریان است. در این دوره گروهی از اخباریان چنان به سادگی و سهل‌انگاری در برخورد با روایات و کنار گذاشتن مبانی عقلی روی آوردند که در ورطه لغزش‌های متعددی از جمله راهیافت تحریف به قرآن غلتیدند.

از این جهت اگر واژه اخباری‌گری به این گروه قابل تطبیق باشد، به هیچ‌روی سزاوار نیست. همین اصطلاح درباره مراحل پیشین این مشرب فکری بکار رود. بلکه شایسته است به آنان اصطلاح محدثان اطلاق گردد.

آیت الله معرفت در فصل پنجم کتاب به بررسی این مسأله - هر چند به صورت اختصار - پرداخته است. ایشان پس از تقسیم نهضت اخباری‌گری به دو دوره کهن و نوین، و برشمردن ثقه الاسلام کلینی (م ۳۲۹) و شیخ صدوق (م ۳۸۰) به عنوان پرچمداران دوره کهن، تفاوت این دو مرحله را، تثبیت و دقت در نقل روایات و تأکید بر - بررسی سندی و متنی آنها در میان اخباریان کهن و - سهل‌انگاری در برخورد با روایات در دوران متأخر دانسته است. آنگاه ایشان به معرفی شاکله فکری و نوع تعامل سید نعمه الله جزائری به عنوان چهره شاخص اخباریان در دوره متأخر - که

در شکل دهی به شخصیت فکری محدث نوری بیشترین تاثیر را داشته - پرداخته است. ۲۲.

ایشان در مبحثی با عنوان «سادگی فاجعه آمیز» به ارائه نمونه هایی از ساده اندیشی محدث جزائری پرداخته است. از جمله آن که ایشان از استاد خود حرفوشی نقل کرده است که شخصی به نام معمر ابوالدنیا را ملاقات کرده که مدعی بود با ائمه (ع) و صاحبان کتب اربعه مصاحبت داشته و از او اجازه روایی گرفته و روایات را بدون نیاز به وسائط روایی نقل کرده است. آنگاه به نقل از سید نعمة الله جزائری این ادعا را آورده که او نیز روایات کتب اربعه را تنها با واسطه استاد خود مرفوشی و بدون نیاز به چند واسطه نقل کرده است!! او با چنین ساده اندیشی در کتاب منبع الحیة خود مدعی تحریف قرآن شده است. ۲۳ آیت الله معرفت با این مبحث به اثبات این مدعا پرداخته که محدث نوری متأثر از چنین ساده اندیشی استاد خود کتاب فصل الخطاب را فراهم آورده و بهانه به دست دشمنان شیعه داده است.

آنچه که در این کتاب به وضوح به چشم می خورد تضعیف جایگاه علمی سید نعمة الله جزائری و شاگرد او محدث نوری است. مؤلف محترم کتاب «صیانة القرآن من التحریف» ضمن پافشاری مکرر بر ساده اندیشی این محدثان و همصدایی با گفتار امام خمینی - ره - که درباره محدث نوری بر این اعتقاد بود که کتاب های او از جمله مستدرک وسائل الشیعه آمیزه ای است از روایات ضعیف با صحیح، و آمیخته است از داستان ها و حکایت های عجیب و غریب ۲۴ راه هر گونه توجیه و تأویل بر کتاب فصل الخطاب محدث نوری را بسته دانسته است. بر این اساس در بحثی تحت عنوان «عقب نشینی یا در لقای سخن گفتن» ۲۵ از کتاب فارسی محدث نوری با عنوان «کشف الارتیاب» یاد می کند که به نقض شبهات کتاب فصل الخطاب پرداخته و مولف ضمن تاکید بر خواندن آن در کنار کتاب فصل الخطاب گفته است که من می بایست نام کتابم را «فصل الخطاب فی عدم تحریف الكتاب» می گذاشتم زیرا معتقدم که در قرآن منزل تحریف راه نیافته و اگر دخل و تصرفی راه یافته مربوط به مصحف عثمانی است. محدث نوری در کتاب الرسالة الجوابیه نیز بر عذرخواهی خود تاکید کرده است. آیت الله معرفت پس از تاکید بر آن که محدث نوری به طور آشکار عقب نشینی نکرده و همچنان بر تحریف قرآن - که ناظر به مصحف عثمانی است - پای فشرده است، به

عکس شاگرد ایشان - شیخ آقابزرگ تهرانی - راه هر گونه اعتذار را برای ایشان بسته دانسته است . ۲۶

این امر یعنی تضعیف جایگاه علمی محدث جزایری و بسته دانستن راه توجیه بر محدث نوری به رغم مورد احترام بودن آنان برای گروهی از عالمان و صاحب نظران - چنان که از مصاحبه حضرت استاد آیت الله معرفت و نیز از مذاکرات شفاهی با ایشان بر آمده انتقاداتی را متوجه ایشان ساخت . مآل سخن منتقدان این بود که به هر حال امثال محدث نوری جزو عالمان بنام شیعه بوده و مناسب است بسان شیخ آقابزرگ تهرانی با باز گذاشتن راه توجیه ، خدمات علمی و معنوی ایشان نیز مغفول قرار نگیرد . آیه الله معرفت در پاسخ به این دست از انتقادات این چنین پاسخ دادند که من در برخورد با این مسأله بین دو راه قرار گرفتم یا می بایست شیعه را فدای محدث نوری کنم و همصدا با او بر راهیافت تحریف در قرآن پای فشارم که کاری خلاف عقل و بداهت بود و یا می بایست محدث نوری را فدای شیعه کنم و من به رغم احترامی که برای شخصیت ایشان قائلم ، بخاطر اهمیت نجات شیعه و پیراسته ساختن دامن شیعه از تهمت تحریف ، گریزی را از راه دوم ندیدم . بسته دانستن راه توجیه برای محدث نوری به خاطر اصرار بر مقصر دانستن ایشان نبوده است ، بلکه حقیقتاً آنچه ایشان به عنوان اعتذار آورده ، اعتذاری حقیقی و عقب نشینی آشکار از ادعای تحریف نبوده است . زیرا برای هر اندیشه ور قرآن پژوهی هویدا است که اساساً محط بحث در مسأله تحریف ، سلامت قرآنی است که امروزه در دست مسلمانان قرار دارد و آن مصحف بر جای مانده از همان مصاحفی است که در دوران عثمان با تکیه بر قرآن منزل بر پیامبر (ص) تنظیم یافت . بنابراین ادعای این که در قرآن منزل تحریف راه نیافته و این مصحف عثمانی است که دچار تحریف شده ، غلتیدن کامل در ورطه ادعای راهیافت تحریف در قرآن است .

۷. تشکیک در منابع مورد استناد محدث نوری

از جمله رهیافت های علمی که منحصرأ در این کتاب به چشم خورده و با در نظر نگرفتن پاره ای از مناقشات ، مدعای راهیافت تحریف در قرآن را از ریشه سست و بی اعتباری می سازد ، تشکیک و تضعیف منابعی است که مورد استناد محدث نوری

و امثال او قرار گرفته است. بر این اساس مؤلف کتاب «صيانة القرآن من التحريف» در فصل هشتم کتاب به بر شمردن و تضعیف این کتابها پرداخته است که عبارتند از: ۱. رساله نعمانی؛ ۲. کتاب سلیم بن قیس هلالی (السقیفه)؛ ۳. قرائات تألیف سیاری؛ ۴. تفسیر ابوالجارود؛ ۵. تفسیر علی بن ابراهیم قمی؛ ۶. الاستغاثه تألیف علی بن احمد کوفی؛ ۷. احتجاج طبرسی؛ ۸. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)؛ ۹. تفاسیری که سند آنها بریده است نظیر تفسیر فرات کوفی، تفسیر ابن حجاج و...

از نظر مؤلف محترم، این کتابها به خاطر روشن نبودن نام اصلی مؤلفان آنها، نظیر رساله نعمانی و احتجاج طبرسی؛ یا عدم اصالت آنها نظیر کتاب سلیم بن قیس، یا استناد به مولفان غیر شایسته نظیر تفسیر ابوالجارود؛ یا عدم وضوح استناد آنها به مؤلفان ادعایی نظیر تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع) و تفسیر علی بن ابراهیم قمی، غیر قابل استناد بوده و نمی توان به استناد روایات طرح شده در آنها راهیافت تحریف در قرآن را اثبات کرد. ایشان هم چنین در توجیه وجود برخی روایات از این دست در کتاب کافی معتقداند که وجود یک روایت در جوامع روایی به معنای اشاره داشتن آن به نظر مؤلف نیست، زیرا کار محدث گردآوری روایات است نه اظهار نظر درباره صحت و سقم آنها.

۸. نقد و بررسی روایات مورد استناد محدث نوری

همان گونه که آیت الله معرفت آورده اند مهم ترین دلیلی که از سوی مدعیان تحریف ارائه شده، پاره ای از روایات است که به طور پراکنده در منابع روایی انعکاس یافته است. ۲۷. محدث نوری مجموع این دست از روایات را که شمار آنها بیش از هزار روایت است^{۲۸}، به دو دسته روایات عام و روایات خاص تقسیم کرده و به ترتیب به عنوان دلیل یازدهم و دوازدهم از ادله خود مبنی بر تحریف قرآن بر شمرده است. ۲۹. مقصود او از روایات عام که ۶۱ روایت است، روایاتی است که به طور غیر صریح به مدعا ناظر است و در برابر، منظور از روایات خاص - یعنی ۱۰۶۱ روایت - روایاتی است که به طور صریح و روشن دال بر تحریف قرآن است.

مؤلف محترم کتاب «صيانة القرآن من التحريف» این روایات را به هفت دسته

تقسیم کرده که گزارش مختصر آنها بدین شرح است :

۱. روایات تفسیری؛ شماری از روایاتی که مورد استناد محدث نوری قرار گرفته، روایاتی است که به عنوان تفسیر آیات، به فزونی هایی در لابلای آیات ناظر است. نظیر روایت: «یا ایها النفس المطمئنه - الی محمد و اهل بینه - ارجعی الی ربک - راضیه - بالولایة - مرضیه - بالشواب - فادخلی فی عبادی - یعنی محمداً و اهل بینه - وادخلی جنتی» چنان که پیداست فقراتی که در لابلای آیات آمده به تفسیر یا تطبیق آیات ناظر است. و مقصود آن نیست که این فقرات جزو قرآن منزل بوده و آنگاه اسقاط شده است. چنان که کلمه یعنی در بخش پایانی روایت گواه مدعاست. ۳۰

۲. روایات ناظر به قرائات خاص اهل بیت (ع)؛ در شماری از روایات، قرائاتی به ائمه (ع) نسبت داده شده که با قرائت متواتر و متداول میان مسلمانان مخالف است. این قرائات از نگاه آیت الله معرفت و نیز استاد ایشان آیت الله خویی (رحمة الله) فاقد حجیت اند. ۳۱ از این رو به این دست از روایات نمی توان عمل کرد. از سویی حتی با فرض صحت این دست از روایات به هیچ روی نمی توان از آنها تحریف قرآن را اثبات کرد. زیرا «القرآن شیء و القرائات شیء آخر»، نظیر روایت: «یحکم به ذو عدل منکم» که فقره «ذوا عدل» در قرائت متعارف را «ذو عدل» دانسته است. ۳۲

۳. روایاتی که در آنها لفظ تحریف آمده و مقصود تحریف معنوی [= تفسیر به رأی] است نه تحریف لفظی؛ نظیر روایت امام صادق (ع): «خدایا آنان را که پیامبران را تکذیب، کعبه ات را ویران و کتابت را تحریف کرده اند، لعنت کن» ۳۳ گواه مدعا روایتی دیگر از امام باقر (ع) خطاب به سعد الخیر است که در آن آمده است که: «آنان حروف و الفاظ قرآن را پاس داشته اما حدود آن را تحریف کردند.» ۳۴

۴. روایات بیانگر فزونی هایی در آیات که به منظور تفسیر آیات ارائه شده است. نظیر روایتی که در آن آمده است در مصحف ائمه (ع) در سوره بینه نام هفتاد تن از قریشیان آمده است. و مقصود از این روایات تبیین اسباب النزول است.

۵. روایاتی که به هیچ وجه ناظر به تحریف نیست، اما در عین حال به عنوان دلایل تحریف بر شمرده شده است، نظیر روایتی که در آن آمده: توصیه شده که پس

از قرائت سوره توحید «كذلك الله ربی» بگوئید. پیداست که روایت ناظر به آداب تلاوت قرآن است.

۶. روایاتی که به چگونگی برخورد امام عصر (ع) - پس از ظهور - با قرآن کنونی ناظر است؛ از ظاهر این دست از روایات به دست می‌آید که قرآن مورد تأیید آن حضرت با قرآن موجود تفاوت دارد. آیت الله معرفت معتقد است که این روایات به مصحف حضرت امیر (ع) ناظر است که خود از جمله دلایل ادعای محدث نوری است. در حالی که تفاوت مصحف امام علی (ع) با مصاحف کنونی - چنان که بزرگانی همچون شیخ مفید بر آن تأکید کرده‌اند - در ترتیب و تنظیم آیات و سوره و یادکرد شرح و تفسیر و شأن نزول آیات است و نه تحریف قرآن.

۷. روایاتی که در آنها آمده که اگر قرآن چنان که نازل شد خوانده شود فضایل اهل بیت (ع) یا نام آنان را در آن خواهند یافت. این روایات نیز ناظر به تفسیر صحیح و بی‌غرض در برخورد با آیاتی همچون آیه ابلاغ، و آیه مودت است. ۳۵
به هر روی مؤلف محترم کتاب «صیانه القرآن من التحریف» بدین ترتیب می‌کوشد تا مهم‌ترین دلیل محدث نوری - یعنی روایات - را با توجیه و تبیین اهداف روایات، مخدوش سازد.

البته بر شمردن مزایا و ویژگی‌های این کتاب به معنای پیراسته دانستن آن از هر نقص و کاستی نیست که این امر تنها درباره کلام و کتاب الهی صادق است.
برای استاد فرزانه‌ام از خداوند متعال، بهروزی و توفیقات روزافزون آرزومندم.

پرتال جامع علوم انسانی

۱. برای تفصیل بیشتر ر. ک: صیانه القرآن من التحریف/ ۱۹۳- ۱۹۷.
۲. برای آگاهی از زندگی و شخصیت گلذیهر ر. ک: فرهنگ خاورشناسان/ ۳۲۸- ۳۳۶.
۳. بنا به فرموده استاد ایشان یکی از جانبازان فداکار جنگ تحمیلی بوده است که مدتی پس از ترجمه کتاب در اثر جراحات ناشی از جنگ به لقاء الهی نایل آمد. برای روح آن عزیز رحمت و غفران خداوند و علو درجات را آرزو مندیم.
۴. تحریف ناپذیری قرآن/ ۴.
۵. این کتاب با توفیق و عنایت الهی، با تحقیق و تنظیم نگارنده، در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات اسراء، منتشر شده است.
۶. ر. ک: نزاهت قرآن از تحریف/ ۲۴- ۲۷.
۷. عمر بن خطاب معتقد بود عبارت «اذا زنی الشیخ و الشیخه فارجموها البته.» «در زمان پیامبر (ص) به عنوان یکی از آیات قرآن تلاوت می شده است. ر. ک: تحریف ناپذیری قرآن/ ۱۶۱- ۱۶۲.
۸. آیه این است: «عشر رضعات یحرّ من ده بار شیر دادن موجب محرمیت می شود.» ر. ک: همان/ ۱۶۶.
۹. ر. ک: همان/ ۱۷۰- ۱۷۱.
۱۰. ر. ک: همان/ ۱۷۳.
۱۱. برای تفصیل بیشتر ر. ک: همان/ ۲۹- ۳۹؛ التمهید فی علوم القرآن، ۲/ ۲۸۵- ۲۹۴.
۱۲. ر. ک: تحریف ناپذیری قرآن/ ۸۸.
۱۳. همان/ ۹۱.
۱۴. ر. ک: همان/ ۶۴- ۸۵.
۱۵. صیانه القرآن من التحریف/ ۷۸. در چاپ ترجمه در پاورقی آدرس کتاب «انوار الهدایه» (شرح کفایة الاصول)، ۱/ ۲۴۷- ۲۴۳ آمده است. ر. ک: تحریف ناپذیری/ ۸۵.
۱۶. تحریف ناپذیری قرآن/ ۱۰۲.
۱۷. ر. ک: همان/ ۱۰۳- ۱۰۴.
۱۸. همان/ ۲۰۷.
۱۹. همان/ ۱۵۳.
۲۰. همان/ ۱۵۲.
۲۱. برای آشنایی بیشتر با تفکرات و تاریخ اخباریان ر. ک: مصادر الاستنباط بین الاصولیین و الاخباریین، محسن غراوی؛ علم الاصول تاریخاً و تطوراً، علی قایینی؛ الفوائد الطوبییه، شیخ حرعاملی.
۲۲. ر. ک: تحریف ناپذیری قرآن/ ۱۱۷.
۲۳. همان/ ۱۱۸- ۱۱۹.
۲۴. همان/ ۸۴.
۲۵. همان/ ۱۲۴- ۱۲۵.
۲۶. همان/ ۱۲۴- ۱۲۵.
۲۷. همان/ ۲۱۷.
۲۸. شمار دقیق روایات ۱۱۲۳ روایت است. ر. ک: همان/ ۳۳۱.
۲۹. همان/ ۲۱۷.
۳۰. همان/ ۲۴۰- ۲۴۱.
۳۱. برای تفصیل بیشتر ر. ک: التمهید فی علوم القرآن، ۲/ ۲۵۶.
۳۲. تحریف ناپذیری قرآن/ ۲۴۶.
۳۳. همان/ ۲۴۸.
۳۴. همان.
۳۵. برای تفصیل بیشتر ر. ک: همان/ ۲۳۱- ۲۷۵.